

تفسیر کلمه ذکر و اهل ذکر

امام رضا علیه السلام درباره آیه «فاتقوا الله یا اولی الاباب الذین آمنوا قد انزل الله الیکم ذکراً» (سوره طلاق آیه ۱۰) (پس حرمت خداوند رانگاه دارید ای خردمندانی که به حقایق ایمان آورده اید تحقیقا خداوند چیزی را که مایه پندوتفکر شماسست نازل کرده است) فرموده است: کلمه ذکر در این آیه همان رسول خداست و ما اهل بیتش «اهل ذکر» هستیم.

اشاره به آیه «فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون»

تقدیس و پرستش

یکی از پایدارترین و قدیمی‌ترین تجلیات روح آدمی و یکی از اصیل‌ترین ابعاد وجود آدمی، حس نیایش و پرستش است. مطالعه آثار زندگی بشر نشان می‌دهد هر زمان و هر جا که بشر وجود داشته است، نیایش و پرستش هم وجود داشته است، چیزی که هست شکل کار و شخص معبود متفاوت شده است. از نظر شکل از رقصها و حرکات دسته جمعی موزون همراه با یک سلسله اذکار و اوراد گرفته تا عالی‌ترین خضوعها و خشوعها و راقی‌ترین اذکار و ستایشها، و از نظر معبود از سنگ و چوب گرفته تا ذات قیوم ازلی ابدی منزله از زمان و مکان. پیامبران پرستش را نیاوردند و ابتکار نکردند، بلکه نوع پرستش را یعنی نوع آداب و اعمالی که باید پرستش به آن شکل صورت گیرد، به بشر آموختند و دیگر اینکه از پرستش غیر ذات یگانه (شرک) جلوگیری به عمل آوردند. از نظر مسلمات دینی و همچنین از نظر برخی علمای دین شناسی (مانند ماکس مولر) بشر ابتدا موحد و یگانه پرست بوده است و خدای واقعی خویش را می‌پرستیده است. پرستش بت یا ماه و یا ستاره و یا انسان از نوع انحرافهایی است که بعداً رخ داده است. یعنی چنین نبوده که بشر پرستش را از بت یا انسان یا مخلوقی دیگر آغاز کرده باشد و تدریجاً با تکامل تمدن به پرستش خدای یگانه رسیده باشد. حس پرستش که احیاناً از آن به حس دینی تعبیر می‌شود، در عموم افراد بشر وجود دارد. از "اریک فروم" نقل شده است که: "انسان ممکن است جانداران یا درختان یا بتهای زرین یا سنگی یا خدای نا دیدنی یا مردی ربانی یا پیشوایی شیطانی صفت را بپرستد، می‌تواند نیاکان یا ملت یا طبقه یا حزب خود یا پول و کامیابی را بپرستد... او ممکن است از مجموعه معتقداتش به عنوان دین، ممتاز از معتقدات غیر دینی آگاه باشد و ممکن است بر عکس، فکر کند که هیچ دینی ندارد.

مسأله بر سر این نیست که دین دارد یا ندارد، مسأله بر سر این است که کدام دین را دارد (جهانی از خود بیگانه)

ویلیام جیمز بنابر نقل اقبال میگوید: انگیزه نیایش نتیجه ضروری این امر است که در عین اینکه در قوی‌ترین قسمت از خودهای اختیاری و عملی هر کس خودی از نوع اجتماعی است، با وجود این، مصاحب کامل خویش را تنها در جهان اندیشه (درون اندیشی) میتواند پیدا کند... اغلب مردم، خواه به صورت پیوسته و خواه به صورت تصادفی در دل خویش به آن رجوع میکنند. حقیرترین

فرد بر روی زمین با این توجه عالی، خود را واقعی و با ارزش احساس میکند (احیای فکر دینی، ص ۱۰۵). "ویلیام جیمز"

درباره عمومی بودن این حس در همه افراد چنین میگوید: احتمال دارد که مردمان از لحاظ درجه تأثیر پذیری از احساس یک ناظر درونی در وجودشان با یکدیگر اختلاف داشته باشند. برای بعضی از مردم بیش از بعضی دیگر این توجه، اساسی ترین قسمت خودآگاهی را تشکیل می‌دهد. آنان که بیشتر چنین هستند محتملاً دینی ترند، ولی اطمینان دارم که حتی آن کسان هم که می‌گویند بکلی فاقد آنند خود را فریب می‌دهند و حقیقتاً تا حدی دیندارند

قهرمانهای افسانه‌ای ساختن از پهلوانان و یا دانشمندان و یا رجال دینی، معلول حس تقدیس بشر است که می‌خواهد موجودی قابل ستایش و تقدیس داشته باشد و او را عاشقانه و در حد ما فوق طبیعی ستایش نماید. ستایشهای مبالغه آمیز بشر امروز از قهرمانهای حزبی یا ملی، دم زدن از پرستش حزب، مرام، مسلک، پرچم، آب و خاک، و احساس میل به فداکاری در راه اینها همه معلول این حس است.

احساس نیایش، احساس نیاز غریزی است به کمالی برتر. به هر شکل، نوعی انحراف این حس از مسیر اصلی است.

انسان در حال پرستش، از وجود محدود خویش می‌خواهد پرواز کند و به حقیقتی پیوند یابد که در آنجا نقص و کاستی و فنا و محدودیت وجود ندارد و به قول "اینشتاین"

دانشمند بزرگ عصر ما:

"در این حال فرد به کوچکی آمال و اهداف بشری پی می‌برد و عظمت و جلالی را که در ما ورای امور و پدیده‌ها در طبیعت و افکار تظاهر می‌نماید، حس می‌کند" (دنیایی که من می‌بینم، ص. ۵۶)

"اقبال" می‌گوید:

"نیایش عمل حیاتی و متعارفی است که به وسیله آن جزیره کوچک شخصیت ما وضع خود را در کل بزرگتری از حیات اکتشاف می‌کند" (احیای فکر دینی در اسلام).

عبادت و پرستش نشان دهنده یک "امکان" و یک "میل" در انسان است: امکان بیرون رفتن از مرز امور مادی، و میل به پیوستن به افق بالاتر و وسیع‌تر.

چنین میلی و چنین عشقی از مختصات انسان است. این است که پرستش و نیایش یکی دیگر از ابعاد معنوی روح انسان است.

منبع: کتاب انسان در قرآن

شهید مطهری

صفحه ۲۰-۲۳